

استیضاح ناموجه روحانی!

تلاش ذوالنور برای استیضاح حسن روحانی ماجور است اما مقبول نیست. هر چند اقتصاد کشور متاثر از انفعال دولت در حضيض ذلت است علیرغم این «روحانی» مُستحق استیضاح نیست! اگر کسی در این میان شایسته شماتت و بایسته تنبه و ملامت است آن اکثریتی‌اند که در یک بی‌حزمی آشکار و در کمال بی‌مبالائی و فریفتگی با رای خود روحانی را بر این مسند گماردند. عوام فریب را تقصیر نیست و نان زیرکی خود را می‌خورد! مُقصر عوامانی‌اند که در توهم دانائی فریب عوام‌فریب را می‌خورند! سقف پرواز روحانی «گلایدر» بود و آنانی باید مسئولیت بپذیرند که مشعوفانه ماموریت بوینگ را به گلایدر دادند! هر چند اشتباه کردن و حق اشتباه کردن را برای یک ملت می‌بایست برسمیت شناخت و از تبعات آن درس گرفت. اما مُصیبت آنجاست که هزینه برخی اشتباهات فوق طاقت و غیرقابل بازگشت است و کمر تمامیت یک ملت را می‌شکند!

#داریوش_سجادی

#حسن_روحانی

#استیضاح_روحانی

#ذوالنور

اسپریم خیانت در پهلوی!

پهلوی منحصر بفردترین نمونه در تاریخ سلطنت ۲۵۰۰ ساله ایران بود که سنت استبداد مطلقه در ایران را به عنصر تحت الامر و دست نشاندگی از خارج کشور آغشته کرد! سلاطین پیشین ایران طی ۳۰۰۰ سال گذشته در سنت فرمانروائی خود هر اندازه مستبد و افسارگسیخته بودند لکن قدرت و سلطنت خود را مدیون جنگ و تفوق نظامی قبیله یا قوم خود در مصاف با سلطان پیشین یا رقیبان در کمین بودند.

این تنها خانواده پهلوی بود که «رضا» و «محمدرضا» شان هر دو با دخالت و نقشه و دسیسه دولت اجنبی به سلطنت رسیدند و با همان

دخالت خارجی نیز یا سرنگون شدند (رضا) و یا بعد از روی کار آوردن، بازیافت هم شدند (کودتای ۲۸ مرداد)

قرینه‌ای که موید ژنتیک بودن خیانت در این خانواده است و این ژن مشترک در خانواده پهلوی بصورت مستمر از اسپرم پدر به پسر جاری و متداول است!

ظاهراً و حسب شواهد، سنسور خیانت ارثی آخرین ذکور بازمانده پهلوی (رضا) نیز اکتیو شده و نامبرده مدتی است با تخیل بازتولید «سلطنت تحت‌الامر و اشنگتن» و با استعانت از سازماندهی CIA و اتاق فکرهای فسیل‌های نومحافظه‌کار آمریکائی «مشق سلطنت» می‌نویسد.

وجد سلطنت طلبانه «پهلوی ثالث» را قبل از خام اندیشی مشارالیه می‌توان در مالیخولیای اسپانسرهای مالی و ساپورترهای سیاسی وی در ایالات متحده ردیابی کرد!

از بعد از دی ماه ۹۶ که شعار «رضاشاه – روح شاد» نزد بی‌سوادترین و نازک‌ترین لایه‌های معترض در ایران آنتن گرفت این شعار تا آن اندازه برای نومحافظه‌کاران آمریکائی اغواگر شد تا بتواند ایشان را فریخته تئوری «کارلوسیزه کردن» ایران کند!

بقول انگلیسی‌ها وقتی یک اسکاتلندی دگمه‌ای پیدا می‌کند آنرا به خیاط داده و به اعتبار همان یک دگمه سفارش دوخت یک دست‌کت و شلوار می‌دهد! و اکنون نیز ظاهراً نومحافظه‌کاران آمریکائی با این یگانه دُرْدانه بجا مانده از «پهلوی‌شان» سودای سربالای بازتولید قدرت از دست رفته خود در ایران را متدولوژیک می‌کنند!

طراحی پروژه نومحافظه‌کاران برای عملیاتی کردن تخیل‌شان شامل افزایش تحریم بمنظور افزایش بحران معیشت و ایجاد آشوب از طریق لبریز شدن آستانه صبر شهروندان کلافه شده از فشار اقتصادی است. چیزی شبیه بازتولید سلطنت کارلوس در اسپانیای دهه ۷۰ میلادی.

اما دونالد ترامپ برخلاف ایشان و در نقطه مقابل ایشان از موضعی مرکانتلیستی و سودا اندیشانه بی‌رغبت نیست تا ماجرای ایران را بشکلی دیگر در دستور کار قرار دهد.

ترامپ برخلاف نومحافظه‌کاران، مرد ایدئولوژی نیست و مرد تجارت است و بدین منوال قبل از سودای قدرت، دغدغه ثروت دارد! لذا قبل از فروپاشی و رژیم چنچ در ایران چشم طمع‌اش به ریاض و نقدینه حجیم و عظیم دولتمردان فاسد سعودی در آمریکا و خلاصی از محوریت نقش عربستان در بازار نفت جهان است.

جنگ در مخیله ترامپ ارجحیت بر «تغییر رژیم» در ایران دارد. اما در جنگ مطمح نظر ترامپ، قبل از ایران این عربستان سعودی است که باید در مصاف با ایران تخریب و بلکه منهدم شود مشروط بر آنکه ایران نیز در چنان جنگ مفروضی به اندازه کافی تضعیف شود تا از آن

طریق بتوان توازن قوا در منطقه را از طریق «توازن ضعف» بین تهران و ریاض مابه‌ازا کرد. هر چند ریاض همه تلاش خود را کرد تا آمریکا را وارد جنگ نیابتی با ایران کند اما ترامپ زیرک‌تر از حکام سعودی می‌کوشد بستر و ساپورت و تضمین‌های لازم برای تشجیع ریاض به جنگ مستقل با ایران را فراهم کند.

#داریوش سجادی

ما آقازاده نیستیم!

آنچنان می‌گویند ما آقازاده‌ایم، کانه الباقی که «ما مردم باشیم» زنازاده‌ایم!

عزیزان آقازاده! شولای آقازادگیتان بر تن‌تان زار می‌زند.

شما را نمی‌دانیم اما ما رُعیایا که مانند شما عظمایان «آقازاده نیستیم» اما مسلمانیم و پیرو دین‌مان همه فضیلت مفروض‌مان مرهون شرافت انسانیت و کمال معنویت و تقوی و معدلت لازم‌التبع مان است!

عزیزان آقازاده! همه فخر آقازادگیتان ارزانی خودتان و گوارای وجودتان اما ما برخلاف شما «آقازاده نیستیم» و برای بودن‌مان محتاج آویزان شدن از شولای بابای‌مان نیستیم.

خودمان بکفایت جنم و ظرفیت و لیاقت داریم تا برای «بودن‌مان» بر روی پای خود بایستیم و حاجتمند و ریزه‌خوار سفره اعتبار «آقاجون» مان نباشیم.

ما آقازاده نیستیم، غلام زاده‌ایم!

غلامزادگانی هستیم که زیر چرخ کبود، ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است!

آقازادگان عزیز!

برخلاف «ما» و «منی» بودن شما بزرگواران و بر وفق پند حکیمانه «خمینی ما» بی‌همه چیزان:

این ما و منی جمله ز عقل است و عقال است

در محفل رندان نه منی هست و نه مائی!

#داریوش سجادی

بی نآ فان!

بهزاد بلور یکی از ابواب جمعی تلویزیون فارسی بی بی سی است که اگر بتوان قائل به طبقه بندی تاریخ بر اساس خلیات انسان بود در آن صورت و بدون تردید «بلور» را می توان به بخش کمیک تاریخ کلیپس کرد. بخشی که نمی توان و نمی بایست متعلقین به آن را جدی گرفت یا جدی محسوب کرد!

فردی با بیش از نیم قرن عمر که تاکنون نتوانسته دوران نوجوانی و صباوت را پشت سر بگذارد و کماکان در شنگول بازی های مقتضای آن دوران فریز مانده و مشغول «خوش خوشانی» است.

اساسا نسلی از نوجوانان و جوانان دهه 60 مانند «بلور» که به طبقات اتینا در ایران تعلق داشتند و از وحشت جنگ و شهوت غرب و عشق به رباب و بریط توسط پدر و مادرشان به اروپا و آمریکا منتقل شدند غالبا بدلیل دوری از کانون خانواده در سنین پر التهاب جوانی و سردی و خشونت و نامنعطفی فضای غربت بتدریج برخوردار از تیک شخصیتی شده و خائفانه مصداق آنانی شدند که بتعبیر مولانا در گریزشان از خراجات شهر، بارکش غول بیابان شدند.

پیش از این به یکی از مصادیق کمیک بهزاد بلور در مقاله «ناسیونالیسم بلورین» اشاره کرده بودم که در گفتگویی با همکارش صادقانه اعتراف می کند که در 18 سالگی برای فرار از سربازی و نرفتن به جبهه های جنگ با مساعدت پدرش و از طریق زمینی و قاچاق سینه خیز تا لندن فرار کرده و در انتهای گفتگو بند را آب می دهد و در پاسخ به این پرسش که چقدر ایران را دوست داری در حالی که اشک در چشمانش جمع شده می گوید: من عاشق ایرانم.

<http://bit.ly/2loDuBk>

عاشقی و ایران دوستی بلورین چنین بلورانی مصداق آن رندی است که از منتهی الیه وطن دوستی عازم جبهه های جنگ شد و فردایش بازگشت!

و در پاسخ به چرائی بازگشت اش گفت:
گفتن باید بریم جبهه چون کشور در خطره ولی من رفتم دیدم جان خودم
در خطره!

علی ایحال بلور را می توان پروفایل قابل وثوق از اقشار «بی نافی»
تلقی کرد که در برزخ هویت بحالت تعلیق در آمده اند.
بی نافآن استعاره ای است ناظر بر آن دسته از افراد که شخصیتا
فاقد گرانیگاه اند و به اعتبار زیست هرهری مسلکانه در سنین رشد و
تکوین شخصیت ناخواسته و قهری از شخصیتی فاقد معنا و عاری از
پرنسب های اخلاقی برخوردار شده اند.

همین بی نافی ایشان را مثابه کشتی بی لنگری در دریای متلاطم شدائد
و حوادث زندگی قرار داده که «کثر می شد و مثر می شد» و در جبری
اقتضائی دور خود می چرخند و همین چرخش بدون محور را برای خود
«معنای زندگی» محسوب و مراد کرده و بکفایت نیز بابت آن خوش
خوشانی لامحاله برای خود اعتبار نیز قائل می شوند!

مصاحبه اخیر رایو زمانه با «بلور مزبور» مصداقی برجسته از چنان
توهمی نزد چنان متوهمانی را قابل دسترس می کند که طی آن «بلور»
انچنان از کارنامه و سابقه زندگی «هنری» (!) خود تعریف می کند
کآنه از عمق هرمنوتیکی فلسفی در حال تبیین آخرین دستآوردهای
فلسفه سوز «هنرمندانه اش» می باشد!

<http://bit.ly/2lfXsjm>

چنین افرادی به شناگرانی می مانند که شبی ابری و طوفانی در کانون
یک اقیانوس محکوم به شناگری اند و چون ستاره قطبی را در آسمان
ندارد لذا بدون تشخیص جهت، شنا می کنند و شنا می کنند و همین طور
شنا می کنند غافل از این که در تمام مدت در «توهم جلو رفتن» در
حال چرخیدن به دور خود بوده اند.

به عبارتی دیگر ایشان پوچانی اند که از «پوچ بودگی» فلسفه
«بودگی» برای خود فهم و جعل می کنند!

چنین بلورانی قطعاً قابل تنفر نیستند اما یقیناً قابل ترحم اند!

لوزرهائی که شرح حال شان مصداق بارز آن رباعی خیام است که:

از آمدنم نبود گردون را سود

وز رفتن من جاه و جلالش نفزود

معلوم نشد کآندر این دیر خراب

زین آمدن و بودن و رفتن، مقصود؟

باز مسیح علینژاد درمانده یک دانشجوی ایرانی ساکن امریکا شد...

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/02/01.mp4>

باز مسیح علینژاد درمانده یک دانشجوی ایرانی ساکن امریکا شد...

□ سید حسینی

#کال_رسمی_موسسه_پژوهشی_یاسین_عصر

لینک در ایتا □

<http://eitaa.com/joinchat/787611652C944ad0e6a9>

□ در سروش

<https://sapp.ir/yasinasr>

دیوارهای شیشه‌ای!

نزول اجلال حسن روحانی از هواپیمای حامل ایشان با پلکان برقی مجلل و تشریفاتی در فرودگاه مهرآباد پس از بازگشت «معظم‌له» از سوچی را باید به حساب لاقیدی و بی‌اطلاعی از جنس ماری آنتوانت همسر لوئی شانزدهم گذاشت که در واکنش به شورش مردم فرانسه بدلیل نداشتن نانی برای خوردن فرمودند:

خُب مردم اگر نان ندارند بروند بجایش کیک بخورند!

در موقعیتی که قاطبه مردم زیر فشار سنگین اقتصاد کشور در الفبای معیشت خود معطل مانده‌اند پسندیده نیست رئیس‌جمهور با چنین اطوار ناشایستی از خود اداهای شاهنشاه بازی درآورند!

جناب آقای روحانی - می‌دانیم نشستن در رکاب اتومبیل‌های آخرین مدل

و ضدگلوله و برخورددار از محافظ و راننده بودن و شرکت در ضیافت‌های متعدد دیپلماتیک در هتل‌های پنج ستاره بغایت شیرین و لذت‌بخش است! اکنون نیز که بسلامتی و میمنت با پلکان لوکس برقی از هواپیمای تان نزول اجلال می‌فرمائید.

فیها المراد! چشمداشتی هم به این امکانات که در اختیار معظم‌له قرار گرفته، نیست. اما این امکانات بصورت مشروط در اختیار حضرتعالی قرار گرفته و شرط آن ارائه خدمات مضاعف در حوزه مسئولیت‌های محول به معظم‌له است.

با ترساندن مردم که اگر من رای نیآورم رقیبم در پیاده‌روها دیوار می‌کشد شولای ریاست را تصاحب کردید اما اینک چه کسی دیوار شیشه‌ای بین شما با مردم را می‌تواند بشکند!؟

جناب روحانی، فریفته این ظواهر نشوید. این پلکان به هیچ کس وفا نکرده! بیمناک قهر مردمی باشید که ۴۰ سال نجیبانه برای مانائی این انقلاب پایمردی کردند اما نه به بهای فربه شدن پایوران‌شان! بقول اردلان سرافراز: یادتون رفته که اون شاه که به صد مهره نمی‌باخت - تاج از سرش تو میدون لشکر پیاده برداشت!؟

جناب روحانی، پلکان منیت به کسی وفا نکرده. بکوشید بجای آن ریسمانی ببافید تا مردم بتوانند با آن از چاه استیصال معیشت مبتلابه‌شان بیرون آیند و پند حکیمانه مولانا را جدی بگیرید که:

نردبان این جهان ما و منی است

عاقبت این نردبان افتادنی است

لاجرم آن کس که بالاتر نشست

استخوانش سخت‌تر خواهد شکست

رُما نَتِیسم سیاسی

به همان اندازه که چهل سالگی انقلاب اسلامی حائز ارزیابی است به همان اندازه نیز عملکرد و سابقه چهل ساله مخالفین انقلاب اسلامی نیز شایسته نقد و آسیب‌شناسی است.

بدون مجامله، جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی بخشی از مانائی خود را در کنار توانمندی خود مرهون ناتوانی و سترونی عاقله و فاهمه «مخالفان انقلاب اسلامی» است.

تعاملی که با هم‌افزائی تبعی بین «انقلاب» و «ضدانقلاب» موجبات قوام

و دوام انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی شده است.
بخشی از اقبال جمهوری اسلامی برخورداری از اپوزیسیونی است که در
داخل و خارج از کشور دچار انتزاع و ذهنی‌گرایی‌اند.
انتزاعی که ایشان را در مالیخولیائی از قهرمان‌بازی اسیر یک
رُمانتیسیم سیاسی کرده.
رُمانتیسیم سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی هر چند بسیار زیبا است
اما به همان میزان نیز بسیار متوهمانه و خیال‌اندیشانه و بالتبع
تحقق‌ناپذیر است!
#داریوش_سجادی
#اپوزیسیون
#چهل_سالگی_انقلاب
#انقلاب
#مُندانقلاب

امام‌تان نمی‌آید!

دکتر طریف کنفرانس ورشو را به نطفه‌ای تشبیه کرد که مُرده بدنیا
آمده! برخلاف ایشان این نطفه را قبل از مُرده بودن می‌بایست
نطفه‌ای حرامزاده تلقی کرد که محصول هم‌خوابگی اپوزیسیون برانداز
با دولت اجنبی است.

کنفرانس ورشو را در عالی‌ترین سطح می‌توان تکرار کمیک تاریخ تلقی
کرد. یک قرینه سازی مضحک از «کنفرانس گوادلوپ» با این تفاوت که
کارتر در گوادلوپ لااقل ارزشی و جاهت داشت تا پشت شعار حقوق بشر
«هژمونی شیطان» ایالات متحده را استتار کند.

کمال ابتذال آنجاست که اپوزیسیون برانداز جمهوری اسلامی در ورشو
با شعار «دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران» متوسل به رعیت
نوازی و خاصه خرجی ترامپی شده که از منتهی الیه کثیف‌ترین
گرایشات نژادپرستی و اشتها به سلاح فروشی به منحط‌ترین رژیم
پارینه سنگی در ریاض خود و دولت‌اش را در جهان «بِرنند» کرده!
طنز تلخی است که جمعی ایرانی متوهم در ورشو از کسانی مساعدت می
طلبند که پیش‌تر در ضیافت «ذبح و مُثلگی خاشقچی» به اتفاق شیعه
مستانه می‌کشیدند!

الفاظ «آزادی و حقوق بشر» در دهان ترامپ نجس می‌شوند.

طنزترین قسمت از «کمدی ورشو» شعار تجمع سلطنت‌طلبان است که با پوستر «پهلوی‌شان» به تفرج و تنعم می‌سرودند:

می‌جنگیم، می‌میریم، ایران رو پس می‌گیریم!

طریقی نبود تا به ایشان بگوید شما اگر اهل جنگیدن و مُردن و ایران پس گرفتن بودید در ۵۷ جلوتر از «پهلوی‌تان» تا عمق لس‌آنجلس و پاریس و لندن نمی‌گریختید و ۴۰ سال در حسرت بازتولید سلطنت در بزم‌های شبانه‌تان متوسل به «السون و ولسون – پهلوی رو برسون» نمی‌شدید تا اینک با در دست گرفتن کاسه تکی محبت از ترامپ «در ورشو» دوره گردی کنید!

بی‌گدار به آب زده اید! امام‌تان نمی‌آید!

چهل سال در حسرت آمدن امام‌تان انتظار کشیده‌اید، غافل از آنکه ترامپ پیش‌تر و بیشتر از شما و بدون توجه به خواست شما اگر ارزنی برآورد داشت که می‌تواند با ورود به ایران مانند عراق و افغانستان تکلیف ایران را روشن کند هرگز تعلل نمی‌کرد.

تعلل ترامپ ناشی از تطفن‌اش به این واقعیت است که ورودش به ایران بمعنای باز شدن دروازه‌های جهنم است.

ملاحه ماجرا آنجاست که ترامپ می‌کوشد با دامن زدن به بحران معیشت در ایران اپوزیسیون را به جان ایران بیاندازد و اپوزیسیون نیز به ترامپ میگه:

میشه شما خودت بری بجنگی بعد بدی دست ما.

این امر به تفاوت «امام زمان اپوزیسیون» با «امام زمان شیعیان» بازگشت دارد. فلسفه انتظار نزد شیعیان بر مسئولیت‌پذیری ایشان و بسترسازی بمنظور آمدن امام عدل‌گسترشان نظارت دارد که در نقطه مقابل اپوزیسیونی است که همه شعور و نبوغ مبارزاتی‌شان را در این خلاصه کرده‌اند که:

همسایه‌ها یاری کنید تا من شوهرداری کنم!

#داریوش‌سجادی

ژاور تراپی!

خودکشی فرجام غیرقابل اجتناب لگالیسم «بازرس ژاور» در نوول بینوایان بود.

ویکتور هوگو در بینوایان قانون گرائی افراطی (لگالیسم) بازرس

ژاور را به فراست عاملی در عدم فهم دنیای رنگی و منعطف «ژان والژان» ترسیم کرد تا آن موجودیت نامنعطف را سرانجام در دوگانه «انسانیت و جزمیت» محکوم به زوال و انتحار کند.

چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی نیز نوعاً تداعی تصلب و جزمیتی است که مانع از آن شده تا دولتمردان کاخ سفید بتوانند موجودیت خودباشانه «جمهوری اسلامی ایران» را بیرون از تفرعن و نظم و قانون تحمیلیشان بر نظام بین‌الملل، فهم کرده و برسمیت بشناسند.

در فاهمه هژمونیک آمریکائی «همه رعیت اند و برخی رعیت‌تراند!» و رعیت‌ترها آنهایند که در سمفونی هارمونیک آمریکائی بیشتر و بهتر برای کدخدا خوش رقصی کنند!

ظاهراً با گذشت چهل سال از جدال بی‌حاصل و سلطه‌طلبانه واشنگتن با حیات مستقل و خودباشانه جمهوری اسلامی تدریجاً وقت آن می‌رسد تا کاخ سفید نیز شعور زیستن بیرون از سلطه خودخوانده‌اش بر نظام بین‌الملل را «مشق» کند.

در غیر این صورت «ژاور درمانی» فرجامی است که خود را بر مناسبات آمریکا با ایران «دیکته» خواهد کرد.

#داریوش_سجادی

#بینوایان

#ویکتور_هوگو

#ژان_والژان

#بازرس_ژاور

#انقلاب_اسلامی

#چهلمین_سالگرد_انقلاب

#لگالِسم

#کاخ_سفید

چرخه ی مالی اروپا و ایران به زبان ساده

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/02/video_2019_2_4-23_4_32_487_r0m.mp4

□ آقای روحانی! الان شما و تیم تون ۳ بر هیچ از، فتحعلی شاه قاجار
بخاطر معاهده ترکمنچای جلوتر هستین...

#پرستو_مروجی

لینک در ایتا □

<http://eitaa.com/joinchat/787611652C944ad0e6a9>

در سروش □

<https://sapp.ir/yasinasr>